

مفهوم‌سازی ارزشیابی نظام برنامه‌درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی

رحمان عزیزی* غلامرضا حاجی حسین نژاد**

مصطفی قادری*** مجید علی عسگری****

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، مفهوم‌سازی ارزشیابی نظام برنامه‌درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی است. پژوهش دارای رویکردی کیفی و از روش گراندد تئوری به عنوان روش تحقیق استفاده شده است. روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۶ نفر از نخبگان آگاه است. روش نمونه‌گیری از موارد مطلوب بوده است؛ یعنی افرادی که تجربه مستقیم از ارزشیابی برنامه‌های درسی دانشگاهی داشتند. برای تعیین اعتبار از راهبرد بازبینی مشارکت‌کنندگان، و بازبینی متخصصان استفاده شده است. به این منظور کدگذاری تحلیل در اختیار سه پژوهشگر قرار گرفت، که ضریب توافق ۰/۸۸ برآورد شد. از تحلیل محتوایی کیفی اطلاعات حاصل از نظرات متخصصان ۴ درون مایه اصلی شامل بافت، فرایند، مداخله‌گر و پیامد استخراج شد. در ارتباط با درون مایه اصلی بافت تعداد ۱۶ درون مایه فرعی، در مجموع ۱۴۴ فراوانی، و درون مایه اصلی فرایند تعداد ۳۵ درون مایه فرعی، در مجموع با ۱۷۹ فراوانی، در ارتباط با درون مایه مداخله‌گر تعداد ۱۰ درون مایه فرعی، در مجموع ۳۹ فراوانی، و در ارتباط با درون مایه پیامد نیز تعداد ۷ درون مایه فرعی در مجموع ۴۲ فراوانی به دست آمده است. نظر به ماهیت متفاوت برنامه‌های درسی نظام علمی-کاربردی، با سایر نظام‌های آموزش عالی، نسبت به لحاظ کردن دقیق همه ابعاد و مؤلفه‌های مستخرج از پژوهش حاضر در ارزشیابی از برنامه‌های درسی دقت نظر لازم و کافی اعمال شد. هر چند سال یکبار نسبت به بروزرسانی ابعاد و مؤلفه‌های مستخرج از پژوهش حاضر برای ارزشیابی نظام برنامه‌درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی اقدام لازم صورت پذیرد.

واژه‌های کلیدی: ارزشیابی، نظام برنامه‌درسی و دانشگاه جامع علمی-کاربردی

* دانشجوی دکتری مطالعات برنامه‌درسی دانشگاه خوارزمی و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد دانشگاهی

(نویسنده مسئول) R_azizi2009@yahoo.com

** دانشجوی دکتری مطالعات برنامه‌درسی دانشگاه خوارزمی Hossinnejad_1@yahoo.com

*** دانشیار مطالعات برنامه‌درسی دانشگاه علامه طباطبائی mostafa_ghadery@yahoo.com

**** دانشیار مطالعات برنامه‌درسی دانشگاه خوارزمی aliasgari2002@gmail.com

مقدمه

یکی از مهمترین فعالیت‌ها در جریان بهبود و پیشرفت برنامه درسی، ارزشیابی برنامه درسی است. ارزشیابی برنامه درسی در دو حوزه متمایز و پیچیده، برنامه‌ریزی درسی و ارزشیابی آموزشی ریشه دارد. اگرچه ظهور آن به عنوان حوزه مطالعاتی مستقل مربوط به دهه ۱۹۶۰ است. اما نمونه‌هایی از کارهای اولیه در این خصوص را نیز می‌توان در سال‌های قبل از آن مشاهده نمود. تعریف ارزشیابی برنامه درسی تا حد زیادی تابع تعریفی است که از برنامه درسی می‌پذیریم. با این همه، و با عنایت به تعریف ارزشیابی، ارزشیابی برنامه درسی عبارتست از فرایند بررسی ارزش و شایستگی برنامه درسی است. بنابراین بررسی و مطالعه ارزش و شایستگی هم شامل عناصر و جنبه‌های خاص برنامه درسی، و هم کل برنامه درسی است (Fathi vajargah, 2002). با این وجود، اکثر صاحب‌نظران در مورد ارزشیابی برنامه درسی از عناصر برنامه درسی بهره می‌گیرند. که از یک تا نه عنصر متغیر است (Alkin 2011). اما تقریباً اکثر صاحب‌نظران در مورد چهار عنصر هدف، محتوا، روش و ارزشیابی اتفاق نظر دارند. حساسیت و اهمیت ارزشیابی در برنامه‌ریزی درسی از آن رو است که هیچ فعالیت انسانی خصوصاً آن دسته از اموری که دارای پیچیدگی و ظرافت خاصی هستند، نمی‌توان فارغ از بررسی کیفی و بهبود مستمر باشد. تنها از طریق ارزشیابی از مراحل مختلف برنامه‌ریزی درسی می‌توان کارایی و اثربخشی برنامه درسی را افزایش داد (Saif, 2003). اورنشتاین و هانکینز معتقداند: «ارزشیابی به منظور شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه درسی قبل از اجرا و کارایی آن پس از اجرا به کار گرفته می‌شود. هدف گردآوری اطلاعات درباره قوت و ضعف برنامه درسی آن است که به برنامه‌ریزان درسی امکان می‌دهد در فعالیت‌ها و برنامه‌های خود یا تجدید نظر کنند، و یا آن‌ها را تطبیق داده حفظ یا متوقف نمایند». در زمینه برنامه درسی، ارزشیابی بر کشف این نکته متمرکز است که آیا برنامه درسی چگونه که طراحی و اجرا شده می‌تواند نتایج مطلوب ایجاد کند (Ornstein, 1997). ارزشیابی حرفه‌ای با هدف خاص انجام می‌گیرد، و مستلزم جمع‌آوری و سنجش اطلاعات به صورتی روش‌مند و برنامه‌ریزی شده است. در فرهنگ‌های لغت، ارزشیابی به صورت عام «تعیین ارزش کردن، امتحان و قضاوت کردن» و به صورت خاص «تعیین میزان موفقیت یک برنامه، یک ...، در رسیدن به هدف‌های تعیین شده» تعریف شده است. Tyler (۱۹۵۰) ارزشیابی را فرایند تعیین میزان انطباق هدف‌های آموزشی و عملکرد برنامه می‌داند. در جای دیگر «ارزشیابی جمع‌آوری و استفاده از اطلاعات برای

تصمیم‌گیری در مورد برنامه‌های آموزشی «ارزشیابی را جمع‌آوری، و استفاده از اطلاعات در مورد تغییرات به‌وجود آمده در رفتار دانش‌آموزان برای تصمیم‌گیری در مورد برنامه آموزشی می‌داند. دانش‌نامه ارزشیابی (Mathison, 2005) ارزشیابی را فرایند جستجوی کاربردی برای جمع‌آوری، و تحلیل شواهد در جهت رسیدن به نتیجه نهایی در مورد ارزش، شایستگی، معنی‌دار بودن، کیفیت برنامه، تولید، فرد، خط‌مش، یا برنامه و نقشه (هر آنچه که موضوع ارزش‌شیابی است) تعریف کرده است. اسکرین به نقل از الکین (۲۰۱۳) هدف ارزشیابی را همیشه قضاوت می‌داند، و بر این اساس ارزش‌شیابی را «قضاوت در مورد ارزش یا شایستگی موضوع مورد ارزش‌شیابی، هر چیزی که ارزش‌شیابی می‌شود» تعریف می‌کند. Fitzpatrick, Sanders, Worthen (۲۰۰۴) کار ارزش‌شیابی مشخص کردن و روشن کردن معیارهای عملی و قابل دفاع، جمع‌آوری اطلاعات و تعیین ارزش موضوع مورد ارزش‌شیابی در ارتباط با این معیارها» است. Alkin (۲۰۱۱) تعاریف ارائه شده برای ارزش‌شیابی «قضاوت در مورد ارزش یا شایستگی برنامه ارزش‌شیابی شده» را عبارتی در مورد هدف ارزش‌شیابی می‌داند که به دو جنبه قضاوت در مورد ارزش درونی و ارزش بیرونی ارزش‌شیابی اشاره دارد. از مهمترین مراحل برنامه‌ریزی، مرحله ارزش‌شیابی است که منجر به ارائه بازخورد به کل نظام برنامه‌ریزی می‌شود. در برنامه‌ریزی درسی ارزش‌شیابی فرایندی است برای داوری در خصوص تناسب تصمیمات برنامه‌دروسی به کار می‌رود. اما نکته مهم در خصوص ماهیت ارزش‌شیابی این است که در سراسر فرایند تدوین برنامه باید به انجام ارزش‌شیابی پرداخت. در برخی از ادبیات موجود این تعبیر از ارزش‌شیابی به عنوان مرحله‌ای یا تکوینی نامیده می‌شود. و هدف آن مشارکت در اصلاح و بهبود طرح‌های آموزشی، مراحل تدوین و شکل‌گیری برنامه است (Applied Science and Technology Rules and Regulations, 2013)

از عناصر یا خرده نظام‌های اصلی آموزش عالی که بایستی به صورت راهبردی و اثربخش به آن نگریده شود، «برنامه‌های درسی» هستند که برنامه‌ریزان، و سیاست‌گذاران مربوطه در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با اتخاذ روش‌های گوناگون، و انجام اقداماتی راهبردی در راستای توسعه برنامه‌های درسی بایستی تغییراتی در جهت تطبیق با تحولات محیطی، و نیاز کنونی جوامع به وجود آورند. زیرا تردیدی نیست که برنامه‌های درسی به عنوان قلب نظام آموزش عالی که، آخرین تحولات و دستاوردهای بشری در عرصه‌های گوناگون علمی در آن منعکس، و به نیروی فعال آینده منتقل می‌شود، در نظر گرفته می‌شود (FathiVajargah, Mousapour and Yadegarzadeh, 2014). بر این اساس، ضروری

است برنامه‌های درسی پاسخ‌گوی نیازهای در حال تحول محیط (جامعه و بخش‌های مختلف آن) باشند تا از این طریق حیات و تداوم دانشگاه‌ها تأیید شود (Torkzadeh and Nekoumand, 2015)

نظام برنامه‌درسی، چگونگی تولید، عناصر تشکیل‌دهنده، فرایند و ارزشیابی برنامه‌ریزی درسی را تعیین می‌کند. ارزشیابی برنامه‌درسی به فرایند تعیین اهمیت و ارزش برنامه‌درسی اشاره دارد. اهمیت و ارزش برنامه‌درسی در گرو کیفیت ابعاد، متغیرها و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن است. ارزشیابی نظام برنامه‌ریزی درسی می‌تواند بر طراحی، اجرا یا پیامدهای برنامه تأکید کند؛ خاستگاه آن در سطح ملی یا محلی باشد؛ معرف رویکردهای مختلف فلسفی راجع به آموزش و از طیف متنوعی از شیوه‌های کاملاً منطقی و عینی یا رویکردهای کاملاً ذهنی، و تفسیری پیروی کند (Schoonmaker, 2010). ارزشیابی نظام برنامه‌درسی، مستلزم تحلیل عناصر، مؤلفه‌ها و نحوه تعامل آن‌ها است. بنابراین، وقتی که از برنامه‌درسی به عنوان یک نظام یاد می‌شود، برای ارزشیابی آن لازم است، علاوه بر تحلیل عناصر تشکیل‌دهنده برنامه، به میزان هماهنگی و هم‌خوانی بین ابعاد و عناصر برنامه توجه شود (Maroofi, 2013). پژوهشگران بسیاری به چالش‌های موجود در برنامه‌های درسی، و بررسی نظام ارزشیابی در آموزش عالی پرداخته‌اند.

(Mosleh Amirdehi, Neyestani and Rahmani and Fathi vajargah, 2008)

Jahanian, 2016 ; Rowshani Ali Bene Si, Fathi Vajargah and Khorasani, 2017 ; Torkzadeh and etc, Kalbasi, 2012 ; Ahmadi and Bahrami, 2004 ; Soare, 2015 ; 2016 ; Dehghani and Pakmehr, 2011 ; Mooiman kari, 2005 ; Hökkä, Eteläpelto & Rasku- Ranai, , Rezai, Karimyan, & Karimi, 2012 (Medbery, 2014 ; Bolstad, 2004 ; Puttonen, 2010)

از جمله این چالش‌ها نوعی ساده‌انگاری در زمره امر خطیر برنامه‌ریزی درسی، ناآشنایی اعضای هیئت علمی حتی رشته‌های علوم انسانی با فرایندهای برنامه‌ریزی درسی، توجه بیش از حد به شرایط و نیازهای زمان حال در طراحی برنامه‌درسی، و غفلت از آینده‌نگری عالمانه و محققانه، تلقی احتمالی خاتمه یافتن فعالیت برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها پس از یک بار بازنگری، و ارائه سرفصل‌های جدید، اجرا نشدن مطلوب برنامه‌های درسی بازنگری شده توسط برخی از اعضای هیئت علمی که می‌تواند ناشی از مقاومت در برابر تغییر و تأکید بر عادات گذشته باشد (FathiVajargah, Mousapour and Yadegarzadeh, 2014)

اضافه شدن گروه علمی-کاربردی به جمع سایر گروه‌های شورای عالی برنامه‌ریزی، تحت عنوان گروه هشتم، همچنین تشکیل شورای عالی آموزش‌های علمی-کاربردی در سال ۱۳۶۹، و به دنبال آن تشکیل دانشگاه جامع تکنولوژی (علمی-کاربردی) در سال ۱۳۷۱ ذیل وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت، و در راستای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز دستگاه‌های اجرایی و بنگاه‌های اقتصادی به عنوان یک ضرورت در نظام آموزشی کشور اتفاق افتاد، طرح تأسیس دانشگاه جامع علمی-کاربردی (تکنولوژی) به عنوان بازوی اجرایی نظام علمی-کاربردی، در نخستین جلسه شورای عالی آموزش‌های علمی-کاربردی در آبان ماه سال ۱۳۷۰ پیش‌بینی شد، و پس از آن اساس‌نامه این دانشگاه در مهر ماه سال ۱۳۷۱ به تصویب شورای گسترش آموزش عالی رسید (پرتال دانشگاه جامع علمی-کاربردی، ۱۳۹۷). مبانی فلسفه وجودی و ضرورت فعالیت و ارتقاء دانشگاه جامع علمی-کاربردی در اسناد بالادستی به خوبی تبیین شده است. در این راستا آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار (فعلی و آتی) و ارتقاء توان کارآفرینی، و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان، از جمله اهم موارد مرتبط در سیاست‌های کلی اشتغال است. اکنون با گذشت ۲۷ سال از تشکیل شورای عالی آموزش‌های علمی-کاربردی، و دانشگاه جامع علمی-کاربردی - با ۱۰۵۶ مرکز آموزش فعال، ۱۱ مؤسسه آموزش عالی و همکاری با ۱۶ وزارت‌خانه در کشور- به قصد تحقق اهداف ذیل می‌گذرد؛

- ایجاد بستر مناسب برای فعالیت همه جانبه (صنعتی، نظامی و دانشگاهی) در گسترش و اعتلای دانش و پژوهش علمی-کاربردی کشور.

- ارتقای شاخص‌های کمی و کیفی آموزش‌های کاربردی در جامعه

- فراهم‌سازی زیربنای مناسب به منظور به‌کارگیری توان دانش‌آموختگان دوره‌های نظری در

حل مسائل کاربردی

- زمینه‌سازی زیربنای مناسب برای ایجاد و انتقال تکنولوژی (نظام آموزش عالی مهارت و

فناوری) (Comprehensive University of Applied Sciences portal, 2018).

انتظار این است از یک جهت برنامه‌های درسی در این دانشگاه توانسته باشد نقش مؤثری در تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی، و دستگاه‌های اجرایی کشور در بخش‌های مختلف صنعت، مدیریت و خدمات و کشاورزی ایفاء نموده باشد، و از جهت دیگر نظر به ماهیت ستادی و نظارتی دانشگاه جامع علمی-کاربردی، این دانشگاه بستر قوی و مناسبی با

محوریت نظارت و ارزیابی از مراکز مربوطه خود از ابتدای فعالیت به صورت مستمر در دستور کار قرار داده باشد، لازمه این امر وجود ساز و کار مشخص و مناسبی برای ارزشیابی از نظام برنامه‌های درسی (با همه عناصر و مؤلفه‌های آن در مراحل مختلف طراحی، اجرا و حتی ارزشیابی) در این دانشگاه است. بر این اساس، بر آن شدیم به مفهوم‌سازی ارزشیابی از نظام برنامه درسی از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران و متخصصان در داخل و خارج از دانشگاه جامع علمی-کاربردی در حوزه‌های مختلف شغلی، مهارتی، ارزشیابی و برنامه درسی در این دانشگاه اقدام نماییم. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش مفهوم‌سازی ارزشیابی نظام برنامه درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی است.

روش پژوهش

الف: طرح پژوهش

هدف از این مطالعه مفهوم‌سازی ارزشیابی نظام برنامه درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی است. به این منظور از رویکرد کیفی و با روش گراند تئوری (نظریه داده بنیاد) استفاده شده است. بنابراین، در این پژوهش به بررسی و مفهوم‌سازی ارزشیابی از نظام برنامه درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی، و از طریق تبیین تجربیات صاحب‌نظران و متخصصان در داخل و خارج از دانشگاه پرداخته شده است. روش گراند تئوری، یک شیوه پژوهش کیفی است که به وسیله آن با استفاده از یک دسته داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌شود. روش نظریه داده بنیاد به سه شیوه اجرا می‌شود: شیوه سیستماتیک، شیوه نوحاسته، و شیوه سازگرا. در این تحقیق از روش سیستماتیک که به استراوس و کوربین نسبت داده می‌شود، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

ب: شرکت‌کنندگان:

مشارکت‌کنندگان این پژوهش شامل سیاست‌گذاران و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی، صاحب‌نظران و متخصصان حوزه شغلی، مدرسان و اعضای هیئت علمی با تجربه شغلی لازم، متخصصان برنامه‌ریزی درسی در نظام علمی-کاربردی، صاحب‌نظران حوزه ارزشیابی آموزش عالی و علمی-کاربردی، و کارشناسان و صاحب‌نظران در حوزه نظارت و ارزیابی علمی-کاربردی و آموزش عالی است. بر این اساس، نمونه آماری شامل ۱۶ نفر است (بر اساس اشباع داده‌ها) انتخاب شدند. در این پژوهش از نمونه‌گیری موارد مطلوب، یعنی افرادی که تجربه مستقیم از ارزشیابی

برنامه‌های درسی دانشگاهی داشتند، شامل صاحب‌نظران و متخصصان در داخل و خارج از دانشگاه علمی - کاربردی استفاده شده است. ملاک انتخاب افراد، داشتن حداقل ۵ سال سابقه کار مستقیم در حوزه‌های مختلف برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی، و گسترش دانشگاه علمی-کاربردی و متخصصان و استادان حوزه نظام ارزشیابی در خارج دانشگاه است.

ج: گردآوری داده‌ها:

داده‌های لازم از طریق مصاحبه به شکل نیمه ساختاری و با استفاده از یادداشت‌برداری، و ضبط صدا گردآوری شدند. مدت زمان مصاحبه برای هر فرد ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بود. بر این اساس، ابتدا سؤالات تدوین، و پس از تأیید آن‌ها مصاحبه‌ها انجام شد. پروتکل مصاحبه در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱- سؤالات مربوط به مصاحبه به شکل نیمه ساختاری

شرایط	سؤالات مربوط به مصاحبه
شرایط زمینه‌ای (بافت):	- به اعتقاد شما ارزشیابی نظام برنامه‌درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی چه ویژگی‌هایی دارد؟ - آیا ارزشیابی برنامه‌درسی در نظام علمی-کاربردی با نظام‌های دیگر متفاوت است؟ - چگونه می‌توان یک نظام برای ارزشیابی از برنامه‌های درسی در علمی-کاربردی ایجاد کرد؟
شرایط فرایندی	- چه ساختارهایی برای ایجاد نظام ارزشیابی از برنامه‌های درسی علمی-کاربردی لازم است؟ - اجرای ارزشیابی از نظام برنامه‌درسی در دانشگاه علمی-کاربردی به چه نوع امکاناتی نیاز دارد؟ - دقت ارزشیابی از نظام برنامه‌درسی در علمی-کاربردی قابل ارزشیابی است؟ چگونه؟
شرایط مداخله‌گر	- تناسب ارزشیابی از نظام برنامه‌درسی در علمی-کاربردی قابل ارزشیابی است؟ چگونه؟ - کاربردی بودن ارزشیابی از نظام برنامه‌درسی در علمی-کاربردی قابل ارزشیابی است؟ چگونه؟
شرایط پیامدی	- ایجاد یک نظام ارزشیابی برنامه‌درسی مطلوب در دانشگاه علمی-کاربردی چه فوایدی دارد؟ - چگونه ارزشیابی موجب تضمین کیفیت در دانشگاه علمی-کاربردی می‌شود؟

جهت رعایت شرایط اخلاقی ضمن ایجاد جو صمیمی در گروه سعی شد، تا رضایت ایشان جهت شرکت در گروه جلب شود؛ البته برای ثبت مصاحبه‌ها از ضبط صدا استفاده شد.

د: تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری شده، و دیدگاه‌های بیان شده حاصل از انجام مصاحبه‌ها تحلیل محتوا شدند. تحلیل محتوا در این پژوهش از طریق فرایند طبقه‌بندی نظام‌مند، کدها و طبقات مستقیماً و به صورت استقرایی از داده‌های خام استخراج شدند. مراحل کدگذاری در گراندد تئوری به شرح ذیل پیاده‌سازی شد: درگام اول: کدگذاری باز؛ محقق پس از هر مصاحبه به پیدا کردن مفاهیم

و انتخاب برجسته‌های مناسب برای آن‌ها، و ترکیب مفاهیم مرتبط اقدام کرده است. در گام دوم: کدگذاری محوری؛ پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را به عنوان طبقه محوری انتخاب کرده، و آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرآیند کاوش کرده است، و ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص کرده است، و در گام سوم: کدگذاری انتخابی (گزینشی)؛ روند انتخاب مقوله اصلی به طور منظم، و سیستماتیک آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط، و پرکردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند، توسط محقق انجام شده است.

ه: اعتبار‌پذیری داده‌ها

از آنجا که معیارهای دقت در تحلیل محتوای کیفی شامل اعتبار، انتقال‌پذیری، و قابلیت تأیید است، بنابراین جهت تعیین اعتبار از راهبرد بازبینی مشارکت‌کنندگان، و بازبینی صاحب‌نظران و متخصصان استفاده شد. برای سنجش بازبینی مشارکت‌کنندگان، علاوه بر بازگرداندن گفتار و تجارب صاحب‌نظران و متخصصان در طول مصاحبه، متن کامل کدها و طبقات در اختیار ۳ نفر از متخصصان قرار گرفت، و نظرات ایشان در اصلاح یا تأیید استفاده شد. برای بررسی انتقال‌پذیری نیز متن کامل به همراه کدها، و طبقات در اختیار سه تن از اعضاء قرار گرفت، که ضریب توافق ۰/۸۸ برآورد شد. همچنین، در ارتباط با تأییدپذیری فرایند تلاش گردید تا کلیه فعالیت‌ها به دقت ثبت شود.

یافته‌ها

از تحلیل محتوایی کیفی اطلاعات حاصل از نظرات افراد ۴ درون مایه اصلی و ۳۸۰ درون مایه فرعی حاصل شد. درون مایه‌های اصلی شامل؛ بافت، فرایند، مداخله‌گر و پیامد هستند.

جدول شماره ۲- نمونه ای از کد گذاری اولیه مصاحبه

عامل	عناوین	کدگذاری اولیه
بافت	<p>مهمترین بخشی که مد نظر بوده ما چون اساسمون، محور و مدارمون شغله می‌گیم شغل چه چیزهایی رو ایجاب میکنه؟ یعنی این‌که اون شغل برای که به نحو مطلوب انجام بشه چه آدمی با چه ویژگی‌هایی نیاز داره؟ چون گفتیم تربیت نیروی انسانی دیگه... بعد اومدیم چکار کردیم، اومدیم شغل را آنالیز کردیم، به این نتیجه رسیدیم هر شغل یه سری مهارت‌ها داره، این مهارت‌ها رو تقسیم‌بندی کردیم .</p> <p>ما نگاهمون تو طراحی برنامه‌ریزی درسی ما مدل‌مون اینه حالا اینو می‌گن CBET حالا مدل‌های دیگمون هم تقریباً همین طوری هست. ما تو دانشگاه جامع بیشتر خود من اینجوری ایجاد کردیم، همین مدل سیبیت هست. میایم مهارت‌های اون شغل رو در میاریم خوب مهارت‌ها تعاریف متفاوت داره اون چیزی که ما تو برنامه‌درسی تعریف کردیم یه چیزی داره به اسم توقعات و انتظارات که همون اهداف یا خواسته هاست</p>	<p>تحلیل شغل و لحاظ کردن مهارت‌های خاص هر شغل در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی ایجابات شغل تربیت نیروی انسانی آنالیز شغل توجه به مهارت‌های شغل طبقه بندی مهارت‌های شغل توجه به مدل CBET در طراحی برنامه‌درسی</p>

درون‌مایه اصلی بافت

در پژوهش حاضر منظور از بافت، شرایط و بستر لازم اعم از شرایط زمینه‌ای و درون‌دادی جهت اجرای نظام برنامه‌های درسی علمی-کاربردی، و چگونگی پیاده‌سازی ارزشیابی از این نظام است. به منظور روشن شدن این موضوع در قالب طرح دو سؤال ۱- به اعتقاد شما ارزشیابی نظام برنامه‌درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی چه ویژگی‌هایی دارد؟ و ۲- آیا ارزشیابی برنامه‌درسی در نظام علمی-کاربردی با نظام‌های دیگر متفاوت است؟ با صاحب‌نظران و متخصصان حوزه‌های مختلف برنامه‌درسی علمی-کاربردی، ارزشیابی، شغلی و... مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختارمند اجرا شده است. در این بخش از پژوهش، فهرستی از کدهای مختلف در ارتباط با بافت به دست آمده است، و بایستی این کدها در قالب مضامین مرتب شوند. بنابراین، بعد از مکتوب نمودن داده‌ها، و با مطالعه مکرر و ثبت ایده‌های اولیه، تلاش شد تا کدهای معنی‌دار در ذیل مضمون پایه قرار گیرد، و در نهایت شکل ادغام شده و نهایی مضامین پایه مستخرج از مصاحبه‌ها در قالب جدول شماره (۳) آمده است.

جدول ۳- جدول استخراج قسمتی از درون مایه‌های حاصل از ترکیب مصاحبه‌های متخصصان در درون مایه بافت

درون مایه اصلی	درون مایه‌های فرعی
	- ضرورت توجه به نظر و دیدگاه دستگاه متقاضی و بهره‌بردار در ارزشیابی‌ها
	- ضرورت توجه به نگاه و نظر بهره‌بردار در تدوین و تصویب برنامه‌های درسی
	- ضرورت توجه به نظر بهره‌بردار و دانشجوی در بازنگری برنامه‌های درسی
	- فقدان نظام ارزشیابی خاص در دانشگاه
	- توجه به تفاوت نظام علمی-کاربردی با دیگر نظام‌ها در ابعاد: هدف، فلسفه، روش، ابزار و ...
	- تأخیر در بازنگری دوره‌های دانشگاه
	- ضرورت توجه به هدف ارزشیابی در دانشگاه جامع
	- فقدان حساسیت بر آزمون بعد عملی و مهارتی دروس در دانشگاه (آفت)
	- لحاظ نکردن استعداد افراد در بعد پذیرش دانشجو
	- ضرورت توجه به بعد عملی و حرفه‌ای در ارزشیابی
	- مدرس کار بلد در حوزه عمل
	- توجه به فلسفه حاکمیتی دانشگاه
	- یک‌بار پذیرش
	- مدرسان از مدیران آن حوزه شغلی
	- فضای آموزش، محیط واقعی کار
	- خاص بودن دانشجوی دانشگاه
	- خاص بودن مدرس دانشگاه
	- توجه به این اصل که برنامه درسی در علمی-کاربردی نیاز و تقاضا محور است در ارزشیابی
	- توجه به نظام پذیرش
	- ضرورت اجرای دروس تخصصی در محیط کار
	- عدم اجرای دروس تخصصی در محیط کار، آفت علمی-کاربردی
	- به انحراف رفتن دانشگاه در ۵ مؤلفه اساسی (شرایط پذیرش، ورودی، مدرس، دروس تخصصی و محیط کار)
	- در دانشگاه جامع به جای تأکید بر اجرای عملی دروس (مخصوصاً کاربردی، کارویزی یک و دو)، تأکید بر دروس نظر و جزوه خوانی (آفتی دیگر)
	- عدم وجود تکست (محتوا) در رشته‌های تخصصی
	- توجه به ارتباط و پیوستگی بین ورودی‌ها و خروجی‌های دانشگاه با بازار کار
	- تعیین استاندارد مشاغل توسط بازار کار
	- اساس برنامه‌های درس در دانشگاه جامع علمی-کاربردی با همه مؤلفه‌هایش مبتنی است بر نیاز بازار کار و تأمین نیروی انسانی آن است.
	- تفاوت برنامه درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی با نظام‌های آکادمیک در هدف‌گذاری
	- توجه به جنس مهارتی و شغلی بودن دوره‌ها و محتواهای مربوطه
	- توجه به امکانات اجرای دوره توسط مراکز مجری
	- خروجی سیستم ضروری است که شرایط احراز شغل را پیدا کرده باشد.

بافت

- توجه به خاص بودن پذیرش
- ضرورت استفاده از مدرسان مجرب و آشنا به علمی-کاربردی
- ضرورت توجه به نظام اجرایی و آموزش در محیط کار
- توجه به مؤلفه‌های اصلی فرایند عمومی آموزش (مدرس، دانشجو، محیط آموزش و برنامه‌درسی).
- منشور بودن برنامه‌درسی (که همه مؤلفه‌ها اعم از ارزیابی، اجرا، مدرس، استانداردهای آموزشی و... بر آن اساس شکل میگیرد)
- محیط کار وجه ممیزه علمی-کاربردی با نظام نظری
- توجه به اصل شغل محور بودن (تربیت نیروی انسانی مورد نیاز مشاغل) در آموزش‌های علمی-کاربردی
- لزوم توجه به انعطاف پذیر بودن برنامه‌های درسی با همه مؤلفه‌های آن (اعم از پذیرش دانشجو، اجرا و ..)
- توجه به ثابت نبودن نظام برنامه‌درسی
- افزایش توانایی و مهارت در دانش آموختگان
- طراحی برنامه‌درسی با همه عناصر و مؤلفه‌های آن بر مدار و محور شغل و ویژگیهای شغلی
- جهت گیری آموزش بر اساس حوزه‌های شغلی
- ضرورت شناسایی نیازهای بازار کار
- ضرورت تبدیل نیازهای بازار کار به نیازهای آموزش
- مهندس معکوس بر برنامه‌ریزی (از آنالیز توانمندیهای شغل به محتوا و استانداردها رسیدن)
- عدم زیاد آموزی و کم آموزشی (هدف دانشمند کردن فرد نیست بلکه توانمند کردن فرد در یک حوزه شغلی خاص است)
- عدم قید در آموزش و - تربیت حلال مسئله در یک شغل خاص نه مسائل عمومی جامعه
- آموزش خاص برای آدمهای خاص و شرایط خاص و مختصات خاص
- توجه به متقاضی یا بهره بردار به عنوان مؤلفه پنجم در کنار چهار مؤلفه قبلی (مدرس، محیط یادگیری، دانشجو و برنامه‌درسی) در فرایند آموزش و ارزشیابی
- تعامل با دستگاههای متقاضی
- توجه به انتظارات و توقعات و انتظارات دستگاه متقاضی در ارزشیابی
- تحلیل شغل و لحاظ کردن مهارت‌های خاص هر شغل در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی
- توجه به مهارت‌های شغل
- توجه به مدل CBET (آموزش بر اساس شاستگی محوری) در طراحی برنامه‌درسی
- برنامه‌ریزی درسی بر اساس تحلیل شغلی
- ضرورت توجه به شایستگی‌های شغلی

جدول شماره (۳) نتایج استخراج درون مایه‌های اصلی و فرعی حاصل از ترکیب مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختارمند با متخصصان، برای درون مایه اصلی بافت، ۱۴۴ درون مایه فرعی استخراج شدند که در جدول شماره (۳) به‌طور

کامل آمده است.

درون مایه اصلی فرایند

در پژوهش حاضر، منظور از شرایط فرایندی، تمامی فعل و انفعالاتی است که در طی اجرای نظام برنامه درسی و ارزشیابی از آن اعم از مطلوبیت شیوه های تدریس مدرسان، کیفیت مدیریت در سطوح مختلف مدیریتی، مدیریت و استفاده بهینه از منابع، امکانات و تجهیزات دستگاههای اجرایی کشور اعم از فضای آموزشی، تجهیزات آزمایشگاهی و کارگاهی (محیط واقعی کار)، گرایش به استفاده از نوآوریهای آموزشی در راستای رفع نیازهای شغلی دستگاههای اجرایی و کاربرد واقعی علم در عمل متناسب با نیاز و خواست بهره‌برداران و دستگاههای متقاضی است. به منظور روش شدن این شرایط در نظام برنامه درسی علمی-کاربردی سه سؤال از سؤالات مصاحبه را در قالب: ۱- چگونه می‌توان یک نظام برای ارزشیابی از برنامه‌های درسی در علمی-کاربردی ایجاد کرد؟ ۲- چه ساختارهایی برای ایجاد نظام ارزشیابی از برنامه‌های درسی علمی-کاربردی لازم است؟ ۳- اجرای ارزشیابی از نظام برنامه درسی در دانشگاه علمی-کاربردی به چه نوع امکاناتی نیاز دارد؟ طراحی و پیاده‌سازی شد. در این بخش از پژوهش، فهرستی از کدهای مختلف به دست آمده است، و بایستی این کدها در قالب مضامین مرتب شوند. بنابراین، بعد از مکتوب نمودن داده‌ها، و با مطالعه مکرر و ثبت ایده‌های اولیه، تلاش شد تا کدهای معنی‌دار در ذیل مضمون پایه قرار گیرد، و در نهایت شکل ادغام شده و نهایی مضامین پایه مستخرج از مصاحبه‌ها در قالب جدول شماره (۴) آمده است.

جدول ۴- جدول استخراج بخشی از درون مایه‌های حاصل از ترکیب مصاحبه‌های متخصصان در درون مایه فرایند

درون مایه اصلی	درون مایه فرعی
-	توجه به دو مرحله بودن طراحی شامل طراحی، بررسی و تصویب.
-	ضرورت دخالت دستگاه‌ها در تصمیمات دانشگاه
-	ضرورت توجه به اجرای دقیق دروس کارورزی و کاربرینی
-	توجه به نیازها و مزیت‌های نسبی منطقه‌ای در تصمیم‌گیری‌ها
-	آزادی عمل نسبی مدرسان
-	ضرورت توجه به رشد آموزش در جوار صنعت
-	ضرورت توجه ویژه‌تر به زیر ساخت‌ها و ساز و کار اجرای برنامه‌های درسی در محیط‌های جوار صنعت
-	رفع مشکلات موجود با تعامل با دستگاه‌های متقاضی و بهره بردار
-	اصل بر عدم تمرکز در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی دانشگاه‌ست

- توجه به ساختارها و فرایندها
- توجه به فلسفه ایجاد دانشگاه، که رفع نیاز دستگاه متقاضی به کمک امکانات و تجهیزات خود دستگاه‌هاست.
- الزام به پیروی از ساختار متمرکز در دانشگاه جامع علمی-کاربردی و واحدهای استانی آن به جهت عدم بلوغ لازم
- ضرورت ارزشیابی در دانشگاه جامع به جهت تخصصی بودن دوره‌ها و برنامه‌های درسی دانشگاه (منحصراً محیط واقعی کار)
- دور شدن مراکز آموزشی مخصوصاً مراکز خصوصی از مأموریتشان به جهت محور شدن سود و فایده برای آنان
- نگرش دو گانه و متفاوت ستاد دانشگاه و واحد های استانی با مراکز آموزش مجری
- تدوین برنامه های درسی این دانشگاه عمدتاً توسط صاحبان صنایع و حرف و توجه ویژه به این مسئله در بحث ارزشیابی
- توجه به مثلث دانشگاه، مرکز و دستگاه متقاضی
- توجه به ضرورت وجود خبرگان حوزه های شغلی بعنوان مدرس در دانشگاه،
- ضرورت توجه به دروس کاربردی، کارورزی و ۲
- ضرورت وجود محیط واقعی کار یا حداقل شرایط شبیه سازی شده
- تنوع دوره ها
- گسترده‌گی مراکز
- توجه به استانداردهای تعریف شده در برنامه
- توجه به ضرورت سامانه ای شدن نظارت و ارزیابی دانشگاه
- منحرف شدن نظارت و ارزشیابی دانشگاه از هدف اصلی خود(تربیت نیروی انسانی مورد نیاز متقاضی و کارفرما) و گرفتار شدن صرفاً در خدمات آموزشی
- ضرورت حضور متقاضی و بهره بردار در طراحی برنامه ها
- تأکید بر آموزش‌های آزمایشگاهی و کارگاهی
- ضرورت توجه به همه مؤلفه ها در ارزشیابی
- شباهت نظام ارزیابی علمی-کاربردی با نظام سبب و فاخاخشوله به جهت داشتن متقاضی
- عدم وجود نظام ارزشیابی
- تولی گری و ستادی بودن
- تدوین استاندارد و نظارت بر آن
- نبود بازخورد اجرا
- ارتباط تنگاتنگ نظام ارزشیابی آموزشی با نظام برنامه درسی
- فقدان توجه به امکانات اجرا در دادن مجوز به مراکز مجری
- فقدان توجه به شرایط پذیرش در پذیرش دانشجو
- نداشتن محیط کار، آزمایشگاه و کارگاه و مدرس واجد شرایط
- اجرایی نشدن اصل انعطاف در برنامه‌های درسی دانشگاه به جهت عدم فهم و شناخت صحیح دستگاههای بالا دستی از رسالت این دانشگاه

- عدم رعایت شرایط پذیرش در دانشگاه (هم علمی و هم کاربردی) اولی باید متمرکز و دومی باید به صورت اعتبار بخشی باشد.
- ضرورت توجه هم به فرایند و هم محصول در ارزشیابی
- توجه به تأثیر عوامل بیرونی (متقاضی و بهره بردار) بر طراحی و اجرای برنامه ها
- عدم انعکاس بازخورد از اجرای برنامه ها در مراکز به دانشگاه

جدول شماره (۴) نتایج استخراج درون مایه‌های اصلی و فرعی حاصل از ترکیب مصاحبه‌های را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختارمند با متخصصان، برای درون مایه اصلی فرایند، ۱۷۹ درون مایه فرعی استخراج شدند که در جدول شماره (۴) بطور کامل آمده است.

درون مایه اصلی شرایط مداخله‌گر

در این پژوهش منظور از شرایط مداخله‌گر، شرایطی است که اجرای نظام برنامه درسی علمی-کاربردی و ارزشیابی از آن متأثر می‌گردد و عموماً با محوریت استانداردهای ارزشیابی از آن یاد می‌شود اعم از استاندارد دقت، تناسب، مفید بودن و نهایتاً کاربردی و عملی بودن، که برای روشن شدن این مسئله در مصاحبه سعی بر این شد با طرح سه سؤال به شرح ذیل:

- ۱- دقت ارزشیابی از نظام برنامه درسی در علمی-کاربردی قابل ارزشیابی است؟ چگونه؟
- ۲- تناسب ارزشیابی از نظام برنامه درسی در علمی-کاربردی قابل ارزشیابی است؟ چگونه؟
- ۳- کاربردی و عملی بودن ارزشیابی از نظام برنامه درسی در علمی-کاربردی قابل ارزشیابی است؟ و چگونه؟

در این بخش از پژوهش، فهرستی از کدهای مختلف به دست آمده است و بایستی این کدها در قالب مضامین مرتب شوند. بنابراین، بعد از مکتوب نمودن داده‌ها، و با مطالعه مکرر و ثبت ایده‌های اولیه، تلاش گردید تا کدهای معنادار در ذیل مضمون پایه قرار گیرد و در نهایت شکل ادغام شده و نهایی مضامین پایه مستخرج از مصاحبه‌ها در قالب جدول شماره (۵) آمده است.

جدول ۵- جدول استخراج بخشی از درون مایه‌های حاصل از ترکیب مصاحبه‌های متخصصان در درون مایه مداخله‌گر

درون مایه اصلی	درون مایه‌های فرعی
مداخله‌گر	- ضرورت بازنگری برنامه‌های درسی متناسب با اهداف و تغییرات شغل
	- توجه به حوزه شغلی و عوامل اجرا در ارزیابی برنامه‌های درسی
	- ضرورت توجه به خواست متقاضی و بهره برداران و نظر متخصصان موضوع در حوزه شغلی
	- ضرورت توجه به نظر دانشجو، مدرس، مدیران گروه، دانش آموختگان و کارفرما از عوامل اجرا در ارزیابی برنامه‌های درسی
	- ضرورت رصد کانون فارغ التحصیلان از کیفیت دانش آموختگان از نگاه بهره برداران
	- ضرورت توجه به دو بعد فرایندی و محصول در ارزشیابی
	- ضرورت توجه به عوامل بیرونی (قانون گذار و بهره بردار) در ارزشیابی
	- ضرورت توجه به عوامل درونی (تعریف استاندارد، نظارت بر نحوه اجرا و ارزیابی آن) در ارزشیابی
	- ضرورت وجود سیستم هوشمند نظارتی در کنار ساختارها، فرایندها و نظام‌ها به جهت چند لایه بدن دانشگاه (ستادی، مؤسسات، واحد های استانی و پراکندگی جغرافیایی مراکز)
	- صرفاً بانک اطلاعاتی بودن سامانه های موجود دانشگاه
	- استعداد سنجی از ورودیها
	- ضرورت فیلتر برای ورودی هر رشته
	- ارزشیابی بر اساس محیط کار نه نمره
	- توجه به نقش دانشجو، مدرس و مخصوصاً محیط کار در برنامه‌های درسی علمی-کاربردی
	- وظیفه دانشگاه مشاوره و راهنمایی دادن به دستگاههای متقاضیست
	- تناسب حوزه شغلی و رشته تحصیلی
	- دستگاه متقاضی و بهره بردار تعیین کننده شاخص های ارزشیابیست
	- تعیین شایستگی اجرای دوره از سوی مرکز
	- تعیین شایستگی دانشی، مهارتی و نگرشی فارغ التحصیل در حوزه شغلی
	- توجه ویژه به نظر دستگاه متقاضی در همه مؤلفه ها.
	- ضرورت وجود مرکز صلاحیت حرفه ای برای ارزشیابی دانش، مهارت و نگرش دانشجو، مدرس، مرکز و ...
	- مناسب نبودن سیستم ۱۶ هفته‌ای برای آموزش های مهارتی
	- مناسب نبودن برگزاری آزمون برای سنجش آموخته‌های مهارتی
- تحمیل شدن آیین نامه‌ها و بخشنامه ها به دانشگاه مهارتی (نوعی آفت است)	
- تعریف و تدوین درست استانداردها، ملاک ها و معیارهای ارزشیابی متناسب با اهداف و برنامه ها	
- قابل سنجش بودن استانداردهای دقت، تناسب و کاربردی بودن در علمی-کاربردی	

جدول شماره (۵) نتایج استخراج درون مایه‌های اصلی و فرعی حاصل از ترکیب مصاحبه‌های را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختارمند با متخصصان، برای درون مایه اصلی مداخله‌گر، ۳۹ درون مایه فرعی استخراج شدند که در جدول شماره (۵)

به‌طور کامل آمده است.

درون مایه اصلی پیامد

در این تحقیق برای مشخص شدن موقعیت پیامد ارزشیابی از نظام برنامه‌های درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی تلاش شد با طرح دو سال در قالب:

۱- ایجاد یک نظام ارزشیابی برنامه درسی مطلوب در دانشگاه علمی-کاربردی چه فوایدی دارد؟ و

۲- چگونه ارزشیابی موجب تضمین کیفیت در دانشگاه علمی-کاربردی می‌شود؟

نسبت به مشخص شدن شرایط پیامدی ارزشیابی از نظام برنامه درسی علمی-کاربردی گام‌های مؤثری برداشته شود.

در این بخش از پژوهش، فهرستی از کدهای مختلف به دست آمده است و بایستی این کدها در قالب مضامین مرتب شوند. بنابراین، بعد از مکتوب نمودن داده‌ها، و با مطالعه مکرر و ثبت ایده‌های اولیه، تلاش گردید تا کدهای معنی‌دار در ذیل مضمون پایه قرار گیرد، و در نهایت شکل ادغام شده و نهایی مضامین پایه مستخرج از مصاحبه‌ها در قالب جدول شماره (۶) آمده است.

جدول ۶- جدول استخراج بخشی از درون مایه‌های حاصل از ترکیب مصاحبه‌های متخصصان در درون مایه پیامد

درون مایه اصلی	درون مایه‌های فرعی
پیامد	- ضرورت توجه به بعد سواد و بعد مهارت در ارزشیابی محصول
	- مالک نبودن دانشگاه
	- مدیریت دانشگاه بر منابع
	- ضرورت وجود سیستم‌های نظارتی و استاندارد نویسی قوی جهت مدیریت بر منابع
	- تضمین کیفیت
	- ضرورت وجود ارزیابی درونی، بیرونی و اعتبار بخشی
	- ضرورت توجه به دروندادها، فرایندها، برون‌دادها و پیامدها
	- ضرورت رابطه سه‌جانبه بین بازار کار، دولت و دانشگاه
	- توجه به تفاوت نظارت و ارزشیابی
	- عدم اهمیت به مقوله مهارت و آموزش‌های مهارتی در سازمان‌ها و خانواده‌ها
	- به رسمیت شناخته نشدن دوره‌های علمی-کاربردی توسط سازمان استخدام کشوری
	- قابل رصد نبودن پیامدهای سیستم
	- مدرس محور نبودن آموزش‌ها
	- محیط کار محور بودن آموزش‌ها
- بخش نظری برنامه‌های درسی دانشگاه مدرس محور و بخش عملی آن محیط کار محور .	
- فرض و وجه ممیزه دانشگاه شکستن چارچوب‌ها و قیدهاست.	

- ضرورت توجه به انعطاف پذیر بودن دانشگاه
- ضرورت طراحی چارچوب ارزشیابی منعطف
- ضرورت ایجاد نظامی ارزشیابی در کنار نظام برنامه‌درسی (نجات بخش است)
- فقدان نظام ارزشیابی در کنار نظام برنامه‌درسی در دانشگاه (آفت)
- نبود تضمینی بر کیفیت برنامه‌ای درسی اجرا شده
- ضرورت اجرا و پیاده سازی نظام آموزشی مبتنی بر صلاحیت حرفه‌ای و شغلی (فقدانش آفت است)
- توجه به وجود قابلیت انطباق حداکثری خروجی سیستم با نیازها در دانشگاه
- موتور محرکه اقتصاد و توسعه، آموزش‌های علمی-کاربردی
- طراحی و پیاده سازی دقیق نظام ارزشیابی بستر ساز اطمینان خاطر برای بهره برداران و دستگاههای متقاضیست

جدول شماره (۶) نتایج استخراج درون مایه‌های اصلی و فرعی حاصل از ترکیب مصاحبه‌های را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختارمند با متخصصان، برای درون مایه اصلی پیامد، ۱۸ درون مایه فرعی استخراج شدند که در جدول (۶) به‌طور کامل آمده است.

در بعد شرایط فرایندی، ضرورت توجه به :

- فرایند طراحی، تدوین و تصویب برنامه های درسی در ارزشیابی
- آموزش های عملی، آزمایشگاهی، کارگاهی، کاربینی و کارورزی
- محیط واقعی کار در اجرای برنامه های درسی
- تعریف و اجرای استانداردها و لحاظ کردن آن در ارزشیابی برنامه های درسی
- وجود شباهت بین نظام علمی کاربردی با نظام CBET و فاخاشخوله المان به جهت ارتباط با دستگاههای متقاضی و بهره برداران
- امکانات اجرا در صدور مجوز اجرای دوره
- نظام پذیرش دانشجویان در ارزشیابی از برنامه های درسی
- استفاده از مدرسین مجرب و مهارتی در اجرای برنامه های درسی
- پرزنگ نبودن مرز بین دروس نظری و عملی در حوزه اجرای برنامه های درسی
- اجرا و ارائه برنامه های درسی با تاکید بر بعد عملی و مهارتی
- شرایط احراز شغل و ویژگی های شاغلین در اجرا و آموزش برنامه های درسی
- ساختار سه ضلع (ستاد دانشگاه، واحد های استانی و مراکز مجری)
- نیاز و مزیت های نسبی استان های مختلف در طراحی و اجرای برنامه های درسی

در بعد شرایط بافت، ضرورت توجه به :

- رسالت، اهداف، فلسفه و مأموریت دانشگاه جامع
- همه عناصر و مولفه های برنامه درسی مخصوصا محیط واقعی کار
- فضای فیزیکی، امکانات و تجهیزات کارگاهی، آزمایشگاهی و ...
- منشور بودن برنامه درسی و قلب سایر فعالیت ها
- نقش مهم برنامه های درسی در مقوله ارزشیابی
- معادل بودن برنامه درسی با نظام آموزشی
- تفاوت ماهوی نظام علمی کاربردی با سایر نظام های نظری
- اصل شغل محور بودن برنامه های درسی، ایجابات شغلی و نظر کارفرمایان
- اصل انعطاف پذیری برنامه های درسی
- اصل اجتناب از کم آموزی و زیاد آموزی
- اصل عدم قید در آموزش (حلال مسئله صرفا در یک شغل خاص)
- خاص بودن برنامه های درسی و آموزش در علمی کاربردی
- نقش تعامل دانشگاه با دستگاههای اجرایی، متقاضیان و بهره برداران در تمامی مراحل برنامه درسی از طراحی تا ارزشیابی
- مهندسی معکوس در برنامه های درسی (از تجربه به متن و محتوا رسیدن)
- تنوع برنامه های درسی، گستردهگی و پراکندهگی جغرافیایی مراکز
- ورودی های سیستم اعم از دانشجویان و مدرسین

مفهوم سازی
ارزشیابی نظام
برنامه درسی علمی

در بعد شرایط پیامد، ضرورت توجه به :

- چالش کم اهمیت بودن مقوله مهارت و آموزش های مهارتی نزد سازمان ها و خانواده ها
- چالش به رسمیت شناخته نشدن دوره های علمی کاربردی توسط سازمان استخدام کشوری
- مالک نبودن دانشگاه و صرفا نقش مدیریتش بر منابع و امکانات دستگاهها
- اجرای ارزشیابی درونی، بیرونی و اعتبار سنجی در علمی کاربردی
- مقوله بهبود کیفیت در ارزشیابی ها
- بازنگری و به روز رسانی برنامه های درسی موجود متناسب با نیاز حوزه های شغلی
- طراحی، تدوین و تصویب برنامه های درسی جدید مبتنی بر نیاز سنجی بازار کار و مشاغل
- موتور محرکه اقتصاد و توسعه، آموزش های مهارتی علمی کاربردی است
- قابلیت انطباق حداکثری خروجی سیستم با نیازهای حوزه های شغلی
- شرایط و کیفیت فارغ التحصیلان و خروجی های نظام علمی کاربردی
- اخذ بازخورد از کیفیت مهارت خروجی های سیستم از کارفرمایان و صاحبان مشاغل

در بعد شرایط مداخله گر، ضرورت توجه به:

- ماهیت متفاوت مراکز مجری (خصوصی، دولتی و عمومی)
- فقدان نگرش مشترک بین ستاد دانشگاه، واحد های استانی و مراکز مجری
- چالش مداخله وزارت عتف در اجرای برنامه های درسی
- ایجاد و طراحی چارچوب منعطف ارزشیابی متناسب با برنامه های درسی
- صلاحیت ها در اجرای برنامه های درسی و ارزشیابی از برنامه ها
- ایجاد و راه اندازی نظام هوشمند ارزشیابی از برنامه های درسی
- لحاظ نمودن سابقه و تجربه اندک ایران در زمینه علمی کاربردی
- هم به قرابت و هم به محصول در ارزشیابی برنامه های درسی
- نهادهای شدن این نگرش که ارزشیابی بستر ساز ارتقاء کیفیت، کاهش هزینه ها، مدیریت صحیح بر منابع و مصارف و ... است.
- فقدان وجود نظام یا الگوی خاصی برای ارزشیابی در علمی کاربردی
- فقدان درک و برداشت صحیح از نظام ارزشیابی در علمی کاربردی
- ضعف در انعکاس بازخورد از اجرای برنامه های درسی به دانشگاه
- چالش حاکم بودن نگاه عمومی به برنامه های درسی تخصصی دانشگاه

نمودار ۱: مفهوم‌سازی ارزشیابی نظام برنامه درسی در دانشگاه جامع علمی کاربردی

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مفهوم‌سازی ارزشیابی نظام برنامه‌درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی انجام شد. بر این اساس، دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان در داخل و خارج از دانشگاه در ارتباط با ارزشیابی نظام برنامه‌درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. از تحلیل محتوایی کیفی اطلاعات حاصل از نظرات صاحب‌نظران و متخصصان ۴ درون مایه اصلی شامل بافت، فرایند، مداخله‌گر و پیامد و ۳۸۰ درون مایه فرعی به دست آمد. در ارتباط با درون مایه بافت باید از عان نمود که ماهیت و محتوای این حوزه بیانگر وضعیت و شرایط موجود نظام برنامه‌های درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی و چگونگی ارزشیابی از آن در بستر و موقعیت زمینه و دروندادهای موجود (بافت) در این نظام است. همچنین، در ارتباط با درون مایه فرایند باید گفت این حوزه بیانگر چگونگی ایجاد نظام ارزشیابی برنامه‌های درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی، ساختارهای مورد نیاز برای ایجاد این نظام و نهایتاً امکانات لازم برای اجرای نظام ارزشیابی مورد نظر در دانشگاه جامع می باشد. درون مایه مداخله‌گر بیانگر چگونگی، میزان و قابلیت پیاده‌سازی استانداردهای لازم و مورد نیاز در ارزشیابی از نظام برنامه‌های درسی در دانشگاه جامع علمی کاربردی می‌باشند. درون مایه پیامد نیز بیانگر مزایا و محاسن ارزشیابی از نظام برنامه‌درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی و نیز نحوه و چگونگی بستر سازی برای تضمین کیفیت در این دانشگاه می باشد.

با عنایت به رسالت، مأموریت و ساختار دانشگاه جامع علمی-کاربردی و نیز فلسفه آموزش‌ها و ماهیت برنامه‌های درسی در این دانشگاه که تقاضا محور و شغل محور بوده و مسئول فراهم آوردن موجبات تربیت نیروهای انسانی متخصص مورد نیاز برای بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و فرهنگی می باشد، مشارکت دستگاه‌های اجرایی برای ترمیم هرم شغلی کشور از شاخص‌های بارز برنامه‌های درسی آن است. یکی از وظایف مهم این دانشگاه نظارت بر جریان کار مؤسسات و مراکز آموزشی ذی ربط و ارزشیابی فعالیت‌ها برای ارتقاء سطح این آموزش‌هاست، و در این راستا و در جهت تحقق رسالت و مأموریت دانشگاه که نظارت و مدیریت بر منابع، امکانات و تجهیزات دستگاه‌هاست، لذا فراهم آوردن موجباتی که تضمین‌کننده کیفیت اجرای برنامه‌های درسی از دیدگاه مختلف مجریان، کارفرمایان و دانش‌آموختگان در این دانشگاه باشد را ضروری و اجتناب ناپذیر می‌نماید.

(Statute of the Comprehensive University of Applied Sciences, 1996).

مروری بر ادبیات تحقیق بیانگر این مطلب بود که بعد از گذشت بیش از نیم قرن از فعالیت حرفه ای این دانشگاه، پژوهشی که به تدوین چارچوب نظری بومی با استفاده از روش نظریه داده بنیاد برای ارزشیابی نظام برنامه درسی در این دانشگاه منتج بشود صورت نگرفته است. تنها پژوهش مرتبط با پژوهش حاضر توسط **Ahmadi and Bahrami (2004)** انجام شده است که با بررسی و مطالعه کتابخان‌های الگوهای ارزشیابی موجود سعی در ارائه یک الگوی مناسب برای ارزشیابی برنامه‌های درسی دوره‌های علمی-کاربردی نموده‌اند، که جامعیت و شمولیت مورد نظر را ندارد. بیشترین وجه اشتراک پژوهش‌های مشابه دیگر هم صرفاً تدوین و ارائه چارچوب برای ارزشیابی برای یک برنامه درسی خاص در یک محیط و نظام آموزشی دیگر و با روش‌ها و ابزارهای پژوهشی متفاوت از روش و ابزار پژوهشی بکار گرفته شده در پژوهش حاضر است. پژوهش **Nateghi et al. (2008)**, **Yarmohammadian et al. (2010)**, **Hojjati et al. (2017)**, **Adib et al. (2018)**؛ همگی موید این مطلب می‌باشند.

پژوهش **Mohammadi and etc (2015)** بیانگر این مطلب است که با توجه مطالعات و بررسی‌های انجام شده در مورد آموزش‌های علمی-کاربردی در کشورهای مختلف، و با عنایت به این‌که آموزش‌های کاربردی در ایران از اهمیت درخور توجهی برخوردار بوده، و با چالش‌های متنوعی از جمله پاسخ‌گویی، ارزشیابی، بهبود، ارتقاء و تضمین کیفیت مواجه است، لذا بحث کیفیت، بهبود و ارتقاء آن توجه و نگاه ویژه‌ای را می‌طلبد. بنابراین، لازم است تا دانشگاه‌های ارائه‌دهنده آموزش‌های کاربردی، و مهارتی برای بهبود و ارتقاء کیفیت خود ارزشیابی و اعتبارسنجی شده و کیفیت آن‌ها با استفاده از مؤلفه‌های متناسب، و معیارها و استانداردهای جهانی و بین‌المللی بررسی شود. نتایج این پژوهش تا حدودی ضرورت اهمیت موضوع پژوهش حاضر را تأیید و تصریح می‌کند.

به منظور کاهش میزان خلاء موجود بین مراحل مختلف برنامه‌های درسی اعم از طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی که نتایج و یافته‌های این پژوهش در ابعاد چهارگانه بافت، فرایند، مداخله‌گر و پیامد بیانگر آن می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد مدیران و مسئولین دانشگاه جامع علمی-کاربردی موضوع ارزشیابی از برنامه‌های درسی دانشگاه را جدی گرفته و عملاً در دستور کار قرار دهند، لازمه اجرای اثربخش و کارای ارزشیابی از نظام برنامه درسی در دانشگاه، هماهنگی، تعامل و ارتباط تنگاتنگ همه بخش‌های دانشگاه می‌باشد، ضروری است در این خصوص

تدابیر لازم اندیشیده شود، نظر به ماهیت متفاوت برنامه‌های درسی نظام علمی-کاربردی با سایر نظام‌های آموزش عالی، نسبت به لحاظ کردن دقیق همه ابعاد و مؤلفه‌های مستخرج از پژوهش حاضر در ارزشیابی از برنامه‌های درسی دقت نظر لازم و کافی اعمال گردد. هر چند سال یکبار نسبت به بروز رسانی ابعاد و مؤلفه‌های مستخرج از پژوهش حاضر برای ارزشیابی نظام برنامه‌درسی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی اقدام لازم صورت پذیرد.



منابع

- Adib, Y; Fathi Azar, A; Alizadeh, M; Dehghani, Gh, A.(2018). Design and validation of a tool for evaluating the curriculum of clinical medicine course in terms of social accountability. *Journal of Educational Development in Medical Sciences*, Volume 11, Number 29, Spring 2018. (Persian)
- Ahmadi, Gh. And Bahrami, M. (2004). Assessing Education Evaluation Models in order to Present a Suitable Model for Evaluating Curriculum of Applied Science. *Third National Congress of Applied Sciences Higher Education*, Tehran, November 2004. (Persian)
- Alkin, C. Marvin. (2011). *Evaluation essentials from A to Z*. New York. The Guilford Press.
- Bolstad, R. (2004). School – based curriculum development: redefining the term for New Zealand schools today and tomorrow. *Paper Presented at the Conference of the New Zealand Association of Research in Education (NZARE)*, (November), 24–26. Comprehensive University of Applied Sciences portal, 2018. (Persian)
- Dehghani, M., Pakmehr, H., & Jafari, H. (2011). Managerial Challenges of Curriculum Implementation in Higher Education. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 15, 2003–2006.
- FathiVajargah, C. (2002). *Educational Needs Assessment: Patterns and Techniques*. Tehran, Ayge Publishing. (Persian).
- Fathi Vajargah, C; Mosaipour, N; Yaddagazadeh, Gh .(2014). *Higher Education Curriculum (Introduction to Concepts, Perspectives, and Patterns)*. Tehran: Mehraban Publishing Book Institute.
- Fitzpatrick. L. J., Sanders,R.J, & Worthen, R.B. (third Edi, 2004). *Program evaluation: Alternative approaches and practical guidelines*. Pearson Education, Inc.
- Hojjati, S A; YarMohammadian, M, H; Wrestling, N.(2017). Designing an appropriate model for evaluating the academic achievement of technical and engineering departments based on the lived experiences of professors and students. *Quarterly Journal of New Approach in Educational Management*, Year 8, Issue 2, Summer 2017. (Persian)
- Hökkä, P., Eteläpelto, A., & Rasku-Puttonen, H. (2010). Recent tensions and challenges in teacher education as manifested in curriculum discourse. *Teaching and Teacher Education*, 26(4), 845–853.
- Kalbasi, F. (2012). *Evaluation of Talented Guidance Schools Curriculum and the Current Process of Identifying Talented Students in order to offer an Optimal Model* (Doctrate Thesis). Ministry of Science, Research and Technology, Isfahan University, Faculty of Education and Psychology. (Persian)
- Maroufi, Y. (2013). *Evaluation of Curriculum Planning System, Iranian Curriculum Encyclopedia*. . (Persian)
- Mathison, S. (ED). (2005). *Encyclopedia Of Evaluation*. Thousand Oaks,CA: Sage Publications, Inc.
- Medbery, R. L., Sellers, M. M., Ko, C. Y., & Kelz, R. R. (2014). The unmet need for a national surgical quality improvement curriculum: a systematic review. *Journal of Surgical Education*, 71(4), 613–631.
- Mohammadi, R; Rahimi, H; Hashemiparast, S, M. (2015). Assessment from Doubt to Continuous Improvement of Quality in Applied Science Education System:

- Objectives, Necessity, Features, Methods and Recommendations. Third National Congress of Higher Education in Applied Sciences, December 2004. . (Persian)
- Mooiman, M. B., Sole, K. C., & Kinneberg, D. J. (2005). Challenging the traditional hydrometallurgy curriculum—an industry perspective. *Hydrometallurgy*, 79(1–2), 80–88. (Persian).
- MoslehAmirdehi, H., Neyestani, M., and Jahanian, I. (2016). The Role of External Evaluation in Quality Improvement of Higher Education System, Case of Babol Medical University. *Research and Planning in Higher Education Quarterly*, 22(4), 18-36. (Persian)
- Nateghi, F; Yousefi, A; Yarmohammadian M, H. (2008). Designing the evaluation model of Iran's high school chemistry curriculum. *Journal of Knowledge and Research in Educational Sciences*, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, No. 20, 2008. . (Persian)
- Ornstein, A. (1997). *Foundation of Education*. Houghton Mifflin, 6 Edition.
- Rahmani, R. and Fathi Vajargah, K. (2008). Evaluation of Quality in Higher Education. *Education Strategies in Medical Sciences*, 1(1); 31-54. (Persian)
- Ranai, M., Rezai, P., Karimyan, F., & Karimi, F. (2012). Challenges Rooted in Curriculum Globalization. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46, 4567–4570.
- Rowshani Ali Bene Si, H., Fathi Vajargah, K., and Khorasani, A. (2017). Challenges of the Quality of Curriculum Evaluation in Online Courses (Case of Study: Shahid Beheshti University). *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 7(18); 11-28. (Persian).
- Saif, A, A.. (2003). *Educational measurement, measurement and evaluation*. Tehran: Doran.
- Schoonmaker, F. (2010). “*Curriculum Evaluation*” Encyclopedia of curriculum studies. SAGE Publications, Inc.
- Statute of the Comprehensive University of Applied Sciences, 1996. (Persian)
- Soare, E. (2015). Perspectives on Designing the Competence Based Curriculum. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 180, 972–977.
- Torkzadeh, J. & Nekoumand, S. (2015). Validating the Scale of University's Power of Response to Environment. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities* 5, 241-252.
- Torkzade, J., Marzoughi, R., Mohammadi, M., Salimi, Gh, and Keshavarzi, F. (2016). Developing the Framework of Evaluating the Effectiveness of Higher Education Curriculums Based on Strategic Approach. *Curriculum Researches*, 6(2); 41-64. (Persian).
- Tyler, R . W. (1950). *Basic principles of curriculum and instruction*. Chicago , ILL. University of Chicago Press.
- Yarmohammadian, M H; Sadoughi, F; Ehteshami, A; Salarianzadeh, M H; Kasaei Esfahani, M (2010). Suggested Model for Evaluation of Pediatric Education. Iranian. *Journal of Medical Education (Special Education Development Letter)*, (Persian).

English Abstract

**Conceptualizing the evaluation of the curriculum system in
the University of Applied Science and Technology**

Rahman Azizi¹

Gholamreza Haji Hossein Nezhad²

Mostafa Ghaderi³

Introduction

The curriculum planning system determines the condition of production, constituent elements, process and curriculum evaluation of curriculum planning. Therefore, the purpose of this study was to conceptualize the evaluation of the curriculum system in the University of Applied Sciences and Technology. Research Question: The main question of this research is how to conceptualize the evaluation of the curriculum system in the University of Applied Sciences and Technology?

Method

The research has a qualitative approach and the grounded theory method has been used as the research method. This research, based on its purpose, is considered descriptive, and of a qualitative-functional type. The data collection method is semi-structured interview with 16 knowledgeable elites. Sampling method was desirable cases, which means using people who have direct experience in evaluating university curricula. To validate the research, the review strategy of participants and experts has been used. To this aim, the coding system for the analysis was given to three researchers, whose agreement coefficient was 0.88.

Results

Qualitative content analysis of information gained from experts' opinions resulted in four main themes, including context, process, intervener and outcome. There were 16 sub-themes regarding Context (total of 144), 35 sub-themes regarding Process (total of 179), 10 sub-themes regarding Intervener (total of 39), and 7 sub-themes regarding Outcome (total of 42).

Discussion

Evaluating the curriculum planning system requires an analysis of the elements and components and how they interact. Analyzing the important variables in this system, the experts have identified various components and by providing various models, have helped to create a common language to benefit from the results of curriculum evaluation. The results of this article are in line with the concept. The evaluation of the curriculum evaluation system at the Applied University of Science and Technology has been compiled and its main themes have been determined and specified separately.

The aim of this study was to conceptualize evaluation of the curriculum system in the University of Applied Science and Technology. Accordingly, the views of experts and specialists inside and outside the university were sought and discussed in this regard. Based on the results obtained through qualitative content analysis, four main themes, namely texture, process, intervener and outcome and 380 sub-themes were identified. Concerning the context of the context, it should be noted here that the nature and content of this field reflects the current situation and conditions of the curriculum system in the University of Applied Science and Technology and the procedures for the evaluation of? how to evaluate it in the context of the context and inputs (context) in this system. Considering the theme? of the process, it should be further stated that this? field shows the procedures for the creation of a curriculum evaluation system in the University of Applied Science and Technology, the structures required to create this system, and the necessary facilities to implement the evaluation system in this type of university. In addition, the intervening themes indicate the procedures for, to what extent, and the ability to implement the necessary standards required in the evaluation of curriculum system in the University of Applied Science and Technology. The outcome theme or themes also expresses advantages and merits of

evaluating the curriculum system in the University of Applied Science and Technology, as well as how to lay the groundwork for quality assurance in this university.

Considering the mission and structure of the University of Applied Science and Technology and with regard to the philosophy of education and the nature of curricula in this university, which are demand- and job-oriented and aims at provision of the necessary human resources for different economic, social, industrial and cultural sectors, participation of executive organs in repairing the country's job pyramid should be considered as one of the major indicators of curriculums in this university. One Monitoring the work flow of relevant educational institutions and centers and evaluating their performances to improve the level of trainings within them should be considered as an important mission of the University of Applied Science and Technology. . It is inevitable, therefore, to determine factors which can improve quality of curriculum materials through gaining different perspectives of this university authorities, staff and graduates.

A review of the relevant literature showed that after more than half a century from the inception of the University of Applied Science and Technology, , no research has been conducted to develop a native theoretical framework, and based on grounded theory, for the evaluation of the curriculum system in this university. The only available study in this area was conducted by Ahmadi et al. (2004) who tried to develop a standard model for curriculum evaluation in this university through the use of a library study. The study, however,, did not have the desired comprehensiveness. The most common feature of other similar studies is establishment of a framework for evaluation of a specific curriculum in a specific educational context and through the use of methods and tools different from those of this study.

Based on the results of studies conducted on universities of applied sciences education in different parts of the world, and considering the fact that applied sciences education in Iran faces various challenges, such as accountability, evaluation, improvement, promotion and quality assurance, the discussion of quality, improvement and promotion requires special attention and consideration. (Mohammadi et al., 2016). Therefore, it is necessary to evaluate the performance of universities offering

practical skills training in order to improve and enhance their quality in other educational environments an through the use of methods different from that of this study

Keywords: evaluation valuation; curriculum system; the University of Applied Science and Technology

¹ (Corresponding author) Ph.D candidat of curruclum studies Kharazmi University , Iran.r_azizi2009@yahoo.com

² .Assistant professor of curruclum studies, Kharazmi University,Iran. Hossinnejad_1@yahoo.com

³ . Assistant professor of curruclum studies, Allameh Tabataba'i University,Iran. mostafa_ghaderi@yahoo.com

